

## منابع مالی تأمین و رفاه اجتماعی در قرآن کریم\*

غلامرضا شعبان پور

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

### چکیده

تأمین و رفاه اجتماعی که یکی از مسائل مهم جوامع امروزی قلمداد می‌شود، عبارت است از یک سیستم منظم از خدمات اجتماعی (مانند بیمه‌های اجتماعی) برای دستیابی به سطحی از زندگی که افراد، ضمن فعالیت و کار، نگران آینده خود و خانواده‌شان نباشند. خداوند در قرآن کریم، به منظور بهبود روزافزون تأمین و رفاه مسلمانان، هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی، سه منبع مالی مهم و غنی را در نظر گرفته است: انفاق، زکات، و صدقه.

در نوشتار حاضر، گذشته از بازنمایی رویکرد این منابع مالی، می‌کوشیم تأثیر منابع یادشده را در فرایند تأمین و رفاه اجتماعی در جوامع اسلامی بررسی کنیم. همچنین با اشاره به موارد مصرف زکات، انفاق و صدقه، که به‌طور مشخص در قرآن آمده است، به این نتیجه می‌رسیم که اگر این منابع بالقوه به صورت منابع بالفعل درآیند، تا حدود زیادی، از فقر جوامع اسلامی کاسته خواهد شد. کلیدواژه‌ها: تأمین و رفاه اجتماعی، انفاق، زکات، صدقه، کاهش فقر.

## مقدمه

انسان‌ها، ذاتاً، توانمندی‌های جسمی و روانی متفاوتی دارند. همه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان این اصل (تفاوت‌های فردی) را قطعی دانسته و بر آن تأکید کرده‌اند. اساساً همین تفاوت‌هاست که موجب تفاوت انسان‌ها در بهره‌مندی از مواهب طبیعی و اجتماعی، و سرانجام نابرابری اجتماعی می‌شود. گذشته از این عامل ذاتی، تبعیض در مناسبات اجتماعی، ضعف در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، و نبود فرصت‌های یکسان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی نیز بر گستره نابرابری‌های اجتماعی می‌افزاید و فاصله طبقاتی و نهایتاً فقر را موجب می‌شود.

دولت‌ها، از دولت‌های محلی و ابتدایی حاکم بر اجتماعات سنتی گرفته تا دولت‌های مدرن حاکم بر جوامع پیچیده کنونی، برای ایجاد تعادل و توازن در جامعه و در نهایت تداوم قدرت خود، همواره کوشیده‌اند به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که حتی المقدور از شدت نابرابری‌ها کاسته شود. گفتنی است این وظیفه، در دنیای امروز، بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است: «تأمین و رفاه عمومی، خاصه در زمان‌های بیکاری، از کار افتادگی، بیماری، و تأمین درمان مناسب و وظیفه‌ای است برای دولت‌ها و نه لطف آنها به مردم» (پیروزنیا، ۱۳۸۴ ش).

اروپای قرن نوزدهم، به دنبال انقلاب صنعتی، افزایش مهاجرت مردم به شهرها، و رشد شهرنشینی، با آسیب‌های اجتماعی فراوانی از جمله «فقر» دست‌به‌گریبان شد از این‌رو، دولت‌های اروپایی مجبور شدند - برای ایجاد حداقل رفاه - برنامه‌هایی را ترتیب بدهند؛ مجموعه این برنامه‌ها به عنوان برنامه‌های تأمین و رفاه اجتماعی (Social security) شهرت یافتند. امروزه،

شمار بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی، به پژوهش درباره این برنامه‌ها

سرگرم شده‌اند.

کشورهای اسلامی، با الگوبرداری از کشورهای صنعتی، گام در راه توسعه گذاشتند و به مسئله تأمین و رفاه اجتماعی توجه کردند. بسیاری از جوامع مسلمان با مشکل بزرگی به نام فقر روبه‌رو هستند و از آن حداقل رفاه بهره‌مند نیستند؛ در حالی که اسلام، به منزله کامل‌ترین دین توحیدی، دستورها و آموزه‌های فراوانی در این زمینه دارد. در بسیاری از آیات، احادیث و روایات، ضمن سفارش مسلمانان به رسیدگی به امور مستمندان، نیازمندان، از کارافتادگان و...، از زبان وحی، منابع مالی مهمی برای رفع فقر از مسلمانان معرفی شده است. در این مقاله، با ارائه تعاریف و مفاهیمی از تأمین و رفاه اجتماعی، تلاش می‌کنیم به منابع مالی یادشده بپردازیم و نشان دهیم اگر کشورهای اسلامی آن‌گونه که قرآن کریم بیان فرموده است از این منابع استفاده کنند، خیلی زود پدیده فقر از جوامع اسلامی رخت برمی‌بندد و ما شاهد رفاه قابل قبولی در این جوامع خواهیم بود.

### تعریف تأمین و رفاه اجتماعی

در تعریف‌های گوناگونی که تاکنون از تأمین اجتماعی و همین‌طور رفاه اجتماعی به دست داده شده، چنین آمده است: «رفاه اجتماعی شامل نظامی از خدمات یا مؤسسات یا نهادهای اجتماعی است که به منظور خدمت و کمک به افراد به وجود آمده است تا سلامت، زندگی بهتر و زمینه‌های روابط مناسب‌تری برای پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسان‌ها به منظور توسعه رفاه آنها را فراهم آورد» (طالب، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲)؛ «رفاه اجتماعی سیستم منظم و شکل‌یافته خدمات اجتماعی است که برای کمک به افراد به وجود آمده است تا رضایت کامل و استاندارد زندگی مرفه را برای افراد جامعه تأمین کند. هدف مؤسسات رفاه اجتماعی، توسعه روابط فرد با اجتماع است که به افراد اجازه

می‌دهد - به طور کامل - از لیاقت و شایستگی خود بهره گیرند و زندگی بهتری را در هماهنگی با احتیاجات جامعه برای خود تأمین کنند» (همان، ص ۲۲ - ۲۳)؛ «تأمین اجتماعی که عامل مهمی در رفاه اجتماعی است، عبارت است از اینکه شخص در هر شغل و مقامی از آینده خود و خانواده نگرانی نداشته باشد و برای تأمین آینده، ناچار از کار بدون وقفه و دست زدن به هر عملی برای کسب پول و تأمین آتیه خود نگردد» (همان، ص ۲۳). همچنین، در اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ م. به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده، درباره تأمین اجتماعی آمده است: «هرکس، به عنوان یک عضو جامعه، حق تأمین اجتماعی دارد و مجاز است، به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و رشد آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد» (آراسته‌خو، ۱۳۷۴ش، ص ۳).

همان‌گونه که از این تعاریف برمی‌آید، تأمین و رفاه اجتماعی به مجموعه برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که ایجاد حداقل‌هایی از رفاه را برای عموم مردم پیگیری می‌کنند. در این برنامه‌ها، از افراد و گروه‌هایی که در معرض آسیب‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی قرار دارند حمایت می‌شود. مفهوم تأمین اجتماعی، هم به زمان حال و هم به زمان آینده معطوف است؛ زیرا تأمین اجتماعی سعی دارد با اجرای برنامه‌هایی محدود و گسترده، نگرانی افراد را از آینده خود و خانواده‌شان از بین ببرد؛ از این رو می‌توان گفت تأمین و رفاه اجتماعی بیانگر رفع نیازهای فعلی و آتی انسان‌هاست. «به نظر می‌رسد احقاق حقوق اجتماعی و اقتصادی شهروندان عمدتاً در گرو تأسیس و استمرار نظام‌های جامع تأمین و رفاه اجتماعی باشد» (مال‌جو، ۱۳۸۷ش). شایان ذکر است توجه به تأمین اجتماعی جوانان، به‌ویژه در جوامعی که ترکیب جمعیتی جوانی دارند، در این میان، از اهمیت بسیار

بیشتری برخوردار خواهد بود. «توجه به تربیت و تعالی و ارتقای رفاه و تأمین اجتماعی جوانان نوعی سرمایه‌گذاری محسوب شده و تأمین اجتماعی اولیه آنان موجبات تأمین و رفاه ثانویه جامعه و کلیه آحاد و اقشار اجتماعی را فراهم خواهد کرد» (علی‌اکبری، ۱۳۸۶ش).

بی‌گمان، برقراری نظام جامع تأمین و رفاه اجتماعی، به منابع مالی سرشاری نیاز دارد. فرد و جامعه، بدون بهره‌مندی از این منابع مالی، قادر به دستیابی به سطح قابل قبولی از رفاه اجتماعی نخواهند بود.

منابع مالی برای تأمین و رفاه اجتماعی در جوامع کنونی کشورهای توسعه‌یافته و همین‌طور در حال توسعه، معمولاً، از محل مالیات، عوارض، و بودجه عمومی، به تأمین منابع مالی مورد نیاز خود برای اجرای برنامه‌هایشان اقدام می‌کنند؛ برنامه‌هایی چون گسترش بیمه‌های اجتماعی، افزایش سطح درمان و بهداشت روانی و جسمانی مردم، توسعه آموزش (عمومی، عالی، و...)، راه‌اندازی صندوق‌های بازنشستگی، تأسیس سازمان‌های امدادی، و برنامه‌های عمرانی.

گذشته از منابع یادشده، می‌توان بهره‌مندی از مشارکت مالی افراد را نیز منبعی غنی برای توسعه رفاه اجتماعی به حساب آورد؛ مانند دریافت حق بیمه از کارفرمایان، کارگران، و کارمندان. همچنین، دولت‌ها با وضع قوانین و مقرراتی - ماهیانه یا سالیانه - مبلغی را از دست‌مزدبگیران به منظور تأمین آتیه آنان و توسعه مسائل رفاهی‌شان دریافت می‌کنند. معمولاً سازمان‌های بیمه علاوه بر دریافت وجوهی از دولت و مردم (حق بیمه)، با گردش منابع موجود مالی خود در فعالیت‌های اقتصادی، از این طریق نیز درآمدهایی کسب می‌کنند. ضمناً، در سطح بین‌الملل، برخی از سازمان‌های جهانی از هیچ‌گونه کمک پولی و جنسی به کشورهای فقیر و حادثه‌دیده جهان خودداری نمی‌کنند.

منابع مالی برای تأمین و رفاه اجتماعی در ایران  
در ایران، می‌توانیم منابع مالی برای تأمین و رفاه اجتماعی را به دو دسته زیر  
تقسیم نماییم:

۱. منابع مالی رسمی؛
۲. منابع مالی غیررسمی.

#### الف) منابع مالی رسمی

«حق برخورداری از تأمین اجتماعی، یکی از مهم‌ترین حقوق انسان‌هاست که در اسناد حقوق بشر، تحولات بین‌المللی دولت‌ها و نیز قوانین اساسی مورد تأکید قرار گرفته است» (شهبازی‌نیا، ۱۳۸۶ش). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که برخورداری از تأمین و رفاه اجتماعی را حقی همگانی می‌داند، در اصل ۲۹ می‌گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی، از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، به سورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند» (قانون اساسی، ص ۳۰). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، قانون اساسی دو منبع مالی را برای گسترش برنامه‌های تأمین و رفاه اجتماعی تعیین کرده است: درآمدهای عمومی (بودجه عمومی کشور) و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم (دریافت حق بیمه از بیمه‌شدگان).

همین‌طور، گاهی قوانینی همچون قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری چگونگی تأمین منابع درآمدی را مشخص نموده‌اند. قوانین مربوط به صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری نیز چگونگی تأمین منابع مالی را تعیین کرده‌اند.

### ب) منابع مالی غیررسمی

فرهنگ ایرانی - اسلامی سرشار از آموزه‌ها و دستورهای اخلاقی و دینی درباره کمک به هموعان، نیازمندان، مستمندان و مسکینان است. ادبیات فارسی، که تأثیر فراوانی از متون معتبر اسلامی پذیرفته، از انسان‌ها دعوت کرده است تا به یکدیگر کمک کنند. از اشعار سعدی است:

که در آفرینش ز یک گوهرند  
دگر عضوها را نماند قرار  
نشاید که نامت نهند آدمی  
(سعدی، ۱۳۷۷، ص ۶۶)

بنی آدم اعضاء یکدیگرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
تو کز محنت دیگران بی غمی

نه کاریست بازبچه و سرسری  
(همو، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷)

رعیت‌نوازی و سرلشکری

گزیند بر آسایش خویشتن  
(همان، ص ۶۹)

خنک آن که آسایش مرد و زن

نظیر در صلاح رعیت کنی  
(همان، ص ۳۷)

بر آن باش تا هر چه نیت کنی

قرآن کریم که کتاب آسمانی همه مسلمانان و معجزه بی‌همتای رسول اکرم ﷺ به شمار می‌آید، از همه این متون مهم‌تر است. در این کتاب، تأکید بسیار زیادی بر رفع مشکلات مردم و کمک به یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان صورت گرفته و منابع مالی غنی و مستمری برای این امر مهم مقرر شده است. در ادامه به تشریح این منابع می‌پردازیم.

منابع مالی برای تأمین و رفاه اجتماعی از نگاه قرآن کریم  
قرآن کریم، برای اجرای برنامه‌های تأمین و رفاه اجتماعی، منابع زیادی را مقرر فرموده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: انفاق، زکات و صدقه.

## الف) انفاق

در قرآن کریم، «انفاق» و مشتقات آن ۷۳ بار ذکر شده است؛ البته، از این تعداد، ۲۱ مورد به بحث ما مربوط نمی‌شود. این کلمه در قرآن کریم به شیوه‌های گوناگون و با تمثیل‌های جالبی ذکر شده است و مسلمانان از مناظر مختلف به آن دعوت شده‌اند. خداوند سبحان، به منظور تشویق مسلمانان به انفاق، بر آثار مثبت این اقدام تأکید کرده است؛ از جمله:

۱- انفاق مایه برکت است و انفاق‌کنندگان دست به تجارتی پرسود می‌زنند: خداوند در قرآن کریم تأکید فرموده است که انفاق نه تنها از مال نمی‌کاهد، بلکه آن را زیاد می‌کند (بقره: ۲۶۱ و ۲۶۵ / نساء: ۳۹ / فاطر: ۲۹ و ۳۰ / توبه: ۹۸ و ۹۹ و ۱۲۱ / قصص: ۵۴). حتی، با استناد به تأکید سوره مبارکه قصص، پاداش انفاق اهل کتاب دو برابر است.

۲- عمل انفاق نشان‌دهنده ایمان به خداوند و هم‌وزن با نماز است: نماز فریضه‌ای واجب به شمار می‌رود که در بسیاری از آیات قرآن بر آن تأکید شده است. در بیشتر آیاتی که بر مسئله نماز تأکید شده، بر مسئله انفاق نیز تأکید گردیده است (انفال: ۳ / بقره: ۳ و ۲۵۴ / رعد: ۲۲ / ابراهیم: ۳۱ / حج: ۳۵ / سجده: ۱۶ / شوری: ۳۸).

۳- انفاق نماد تقواست: انفاق‌کنندگان تقوا دارند و در حال ثروت و تنگدستی انفاق می‌کنند (آل عمران: ۱۷ و ۱۳۴).

۴- انفاق نماد نیکوکاری است: از نگاه قرآن، نیکوکاری فقط از راه بخشش به نیازمندان امکان‌پذیر است (آل عمران: ۹۲ / بقره: ۱۹۵).

۵- انفاق نکردن نشانه نفاق و بخل است: بخیلان انفاق نمی‌کنند و منافقان مردم را از انفاق و بخشش باز می‌دارند (منافقون: ۷ / محمد: ۳۸ / اسراء: ۱۰۰).

در ضمن، خداوند ملاک‌ها و معیارهایی را نیز برای انفاق برشمرده است؛ از جمله =



- ۱- انفاق نباید به منت و ریا آلوده شود: انفاق کنندگان نباید بر انفاق شونده‌گان منتی بگذارند (بقره: ۲۶۲ و ۲۶۴ / نساء: ۳۸ و ۳۹).
  - ۲- انفاق کافران پذیرفته نمی‌شود: بخشش از مؤمنان پذیرفته می‌شود، که از کسانی که کفر می‌ورزند (آل عمران: ۱۱۶-۱۱۷).
  - ۳- در انفاق، میانه‌روی لازم است: مسلمانان و بندگان خدای رحمان باید در بخشش به نیازمندان نه زیاده‌روی کنند و نه خست به خرج دهند؛ بلکه لازم است راه اعتدال را بپویند (بقره: ۲۱۹ / فرقان: ۶۷).
  - ۴- انفاق فقط باید برای جلب رضایت خداوند صورت گیرد: هدف از بخشش به نیازمندان نباید ریا و خودنمایی باشد، بلکه بخشش فقط باید برای جلب رضایت خداوند صورت گیرد (بقره: ۲۷۲).
  - ۵- انفاق باید از محل مال حلال صورت گیرد: از مال حرام، نمی‌توان بخشش کرد (بقره: ۲۶۷).
  - ۶- انفاق، چه آشکار و چه پنهان، پذیرفته می‌شود: انفاق می‌تواند آشکار و در برابر چشم دیگران، یا پنهان و دور از چشم دیگران باشد (بقره: ۲۷۴ / حدید: ۱۰ / توبه: ۳۴).
- همان‌گونه که از این آیات برداشت می‌شود، دین اسلام بر انفاق - با رعایت ملاک‌ها و معیارهای ذکر شده - تأکیدهای فراوانی کرده است تا توانمندان نیازمندان را فراموش نکنند و فقر در جامعه اسلامی ریشه‌کن شود. اگر مسلمانان با هر سطحی از ثروت این دستور اسلام را رعایت نمایند، شکاف طبقاتی تا حدود زیادی از بین می‌رود و جامعه اسلامی از رفاه کافی برخوردار می‌شود. بنا به اهمیت انفاق، خداوند به مسلمانان این‌گونه خطاب کرده است: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»: شما را چه می‌شود که در راه خدا انفاق نمی‌کنید؟ در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است.

(حدید: ۱۰). همچنین، خداوند به ثروتمندانی که فقط دست به تمرکز ثروت می‌زنند و اهل بخشش نیستند هشدار می‌دهد: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ: [ای پیامبر] کسانی را که از زر و سیم گنجینه‌ها فراهم می‌آورند و در راه خدا صرف نمی‌کنند، به عذابی دردناک، بشارت ده (توبه: ۳۴).

### ب) زکات

مؤلف کتاب قاموس قرآن درباره معنای واژگانی «زکات» نوشته است: «اصل زکات به معنی نمو و زیادت است» (قرشی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۱۶۸). او همچنین این واژه را به معنای پاکیزگی گرفته و آن را مصدر دانسته که به معنای تطهیر مال است. وی به نقل از اقرب‌الموارد آورده است: «زکات در تمام قرآن، جز در آیه «وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً» [به حضرت مریم] از جانب خود مهربانی و پاکی عطا کردیم (مریم: ۱۳)]، درباره مال است و آن به معنی طهارت می‌باشد» (همان، ص ۱۶۹). سرانجام، ذیل واژه زکات، گفته است: «زکوت چنان‌که گذشت مصدر و اسم مصدر که مال زکوی می‌باشد استعمال شده است و آن ۳۲ بار در قرآن مجید به کار رفته و در بیشترش منظور مالی است که در راه خدا مصرف می‌شود. به نظرم، این تسمیه از آن است که زکوة سبب پاکی مال است و مال مزکی پاک و قابل نمو و برکت است نه مال غیرمزکی» (همان، ص ۱۷۰). وی در ادامه زکات را مترادف با مطلق انفاق دانسته است.

همان‌گونه که گفته شد، «زکات» ۳۲ بار در قرآن کریم آمده است؛ البته از این تعداد، دو مورد به بحث ما مربوط نمی‌شود؛ از این‌رو، در این بخش، به بررسی دیدگاه قرآن در زمینه زکات به منزله منبع تأمین و رفاه اجتماعی می‌پردازیم. قرآن کریم، با همان تمثیل‌ها و استدلال‌هایی که در مورد انفاق به کار برده، بر پرداخت زکات تأکید کرده و از مسلمانان خواسته است هیچ‌گاه آن را فراموش

نکنند. تأکید قرآن موجب شده است زکات، غیر از تعلق کلی به مال، به طور خاص نیز به برخی از اموال تعلق بگیرد و واجب شرعی قلمداد شود. ابتدا، رویکرد قرآن را درباره تعلق کلی زکات به مال بررسی می‌کنیم؛ از جمله:

۱- زکات هم‌وزن با نماز است: از میان سی آیه‌ای که زکات را به معنای مصرف مال در راه خدا آورده‌اند، در ۲۶ آیه، زکات پس از نماز آورده شده است (نک به: بقره: ۴۳، ۸۳، ۱۱۰ و ۲۷۷ / مزمل: ۲۰).

۲- پرداخت زکات نشانه نیکوکاری، تقوا و یقین به معاد است (بقره: ۱۷۷ / لقمان: ۴).

۳- زکات‌دهندگان مشمول رحمت خاص خداوند می‌شوند (اعراف: ۱۵۶).

۴- زکات‌دهندگان مشمول لطف الهی می‌شوند (توبه: ۷۱).

۵- خداوند پشتیبان زکات‌دهندگان است (حج: ۷۸).

۶- توجه فرد به پرداخت زکات نشان‌دهنده هدایت او به راه حق است (توبه: ۱۸).

۷- بهره‌مندی از رحمت خداوند درگرو پرداخت زکات است: در قرآن کریم آمده است: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»: نماز برپا دارید و زکات پردازید و از پیامبران خدا اطاعت کنید تا مورد رحم الهی قرار گیرید (نور: ۵۶).

بنا به این آیه، اگر زکات مال‌ها پرداخت نشود، درهای رحمت و نعمت الهی به روی انسان‌ها بسته می‌شود؛ در این صورت، بلا به شکل‌های گوناگون دامگیر جامعه خواهد شد. شاید بتوان وقوع پیایی خشکسالی‌ها را ناشی از نپرداختن زکات محصولات کشاورزی دانست که متأسفانه در ایران موجب فقر گسترده‌ای در جامعه روستایی شده است.

۸- خانه‌های زکات‌دهندگان منور به نور الهی است (نور: ۳۷).

۹- زکات‌دهندگان به پاداش مضاعفی می‌رسند (روم: ۳۹ / مجادله: ۱۳).

۱۰- ترویج پرداخت زکات از نشانه‌های حکومت‌های دین‌مدار است (حج: ۴۱).

۱۱- بی توجهی فرد به پرداخت زکات نشانه شرک و کفر اوست (فصلت: ۶ و ۷ / توبه: ۵ و ۱۱).

۱۲- زکات فرمان استوار همه ادیان توحیدی است (بیته: ۵ / مریم: ۵۴-۵۵ / انبیاء: ۷۳).  
گذشته از خداوند در قرآن کریم، امامان معصوم علیهم السلام نیز بر اهمیت زکات و لزوم پرداخت آن تأکید کرده‌اند. در این قسمت از مقاله، به بررسی دیدگاه برخی از امامان معصوم علیهم السلام در این باره می‌پردازیم.

### زکات از دیدگاه امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام، در نهج البلاغه، پرداخت زکات را موجب نگهداری مال می‌داند و می‌فرماید: «سَوْسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ، وَ ادْفَعُوا أَمْوَالَ الْبَلَاءِ بِالذُّعَاءِ»: ایمان خود را با صدقه دادن و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید و امواج بلا را با دعا از خود برانید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش، ص ۵۶۹).  
همچنین، امام علی علیه السلام ارزش زکات را این‌گونه بیان فرموده است:

«ثُمَّ إِنَّ الزَّكَاةَ جُعِلَتْ مَعَ الصَّلَاةِ قُرْبَانًا لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَمَنْ أَعْطَاهَا طَيَّبَ النَّفْسَ بِهَا، فَإِنَّهَا تَجْعَلُ لَهُ كَفَّارَةً، وَ مِنَ النَّارِ حِجَازًا وَ وَقَايَةً. فَلَا يُبَيِّعُهَا أَحَدًا نَفْسَهُ، وَ لَا يُكْتَسِرَنَّ عَلَيْهَا لَهْفَةً. فَإِنَّ مَنْ أَعْطَاهَا غَيْرَ طَيِّبِ النَّفْسِ بِهَا، يَرْجُو بِهَا مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهَا، فَهُوَ جَاهِلٌ بِالسُّنَّةِ، مَغْبُوتُ الْأَجْرِ، ضَالُّ الْعَمَلِ، طَوِيلُ السَّدَمِ»: همانا پرداخت زکات و اقامه نماز عامل نزدیک شدن مسلمانان به خداست. پس، آن‌کس که زکات را با رضایت خاطر پردازد، کفاره گناهان او می‌شود و بازدارنده و نگهدارنده انسان از آتش جهنم است؛ پس، نباید به آنچه پرداخته با نظر حسرت نگاه کند و برای پرداخت زکات افسوس خورد، زیرا آن‌کس که زکات را از روی رغبت پردازد و انتظار بهتر از آنچه را پرداخته داشته باشد به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نادان است و پاداش او اندک، و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود (همان، ص ۴۲۱).

### زکات از دیدگاه امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در چندین حدیث که در اصول کافی آمده‌اند، زکات را یکی از پنج ستون اسلام دانسته و از جمله فرموده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، وَكَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ»: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و برای چیزی فریاد نشده چنانچه برای ولایت (کلینی، ۱۳۷۰ ش، ج ۴، ص ۶۳).

ایشان در حدیثی دیگر با همین مضمون فرموده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، وَكَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ، فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ - يَعْنِي الْوَلَايَةَ: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و فریاد نشده برای چیزی مانند فریاد برای ولایت، مردم چهار تا را گرفتند و این یکی را رها کردند - یعنی ولایت را (همان، ص ۶۵).

### وجوب زکات

همان‌طور که قبلاً گفته شد، تأکید خداوند در قرآن - و امامان معصوم علیهم‌السلام - بر اهمیت پرداخت زکات موجب شده است زکات، غیر از تعلق کلی به مال، به طور خاص نیز به برخی از اموال تعلق بگیرد و واجب شرعی قلمداد شود. حضرت امام خمینی رحمته‌الله در تحریر الوسیله زکات را از ضروریات دین دانسته و انکارکننده آن را کافر شمرده است: «زکات، فی الجملة، از ضروریات دین است و همانا منکر آن - به تفصیلی که در کتاب طهارت گذشت - در زمرة کفار است و از اهل بیت طهارت علیهم‌السلام روایت شده که: همانا، منع‌کننده یک قیراط زکات، نه از مؤمنین است نه از مسلمین (خمینی، ج ۲، [بی‌تا]، ص ۵).

### اموال مشمول زکات

صاحب تحریر الوسیله اموال مشمول زکات را نه مورد می‌داند و می‌نویسد: «زکات در چهارپایان سه‌گانه، یعنی شتر و گاو و گوسفند، و در نقدین، یعنی طلا

و نقره، و در غلات چهارگانه، یعنی گندم و جو و خرما و کشمش، واجب است و در غیر این نه چیز، زکات واجب نیست» (همان، ص ۱۲ و ۱۳). البته، علاوه بر موارد یادشده، زکات فطره نیز واجب است.

### زکات فطره

زکات فطره زکاتی است که پرداخت آن در روز عید سعید فطر واجب می‌شود. امام خمینی علیه السلام از این زکات به عنوان «زکات بدن» یاد می‌کند و می‌نویسد: «زکات بدن همان است که زکات فطره نامیده می‌شود و همانا درباره این زکات (حدیث) وارد شده که همانا هرکس آن را ندهد ترس فوت او هست و - نیز روایت شده که - زکات فطره جزء تکمیل روزه است؛ چنان‌که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله جزء تکمیل نماز است (همان، ص ۶۷).

### موارد مصرف زکات

قرآن کریم موارد مصرف زکات را چنین برشمرده است:

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» از تو سوال می‌کنند از چه چیزهایی باید انفاق کنند، بگو: از مال و ثروت و متعلقات، هرچه انفاق کنید، برای پدر و مادر و خویشاوندان نیازمند و یتیمان و مستمندان و درماندگان سفر، خوب و پسندیده است و البته هر عمل خیر و نیکی که انجام دهید ذات اقدس خداوند به آن وقوف کامل دارد (بقره: ۲۱۵).

همچنین، خداوند در سوره و آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ همانا صدقات مخصوص نیازمندان و درماندگان و متصدیان گردآوری آن، و جلب قلوب مردم و آزادسازی بر-تان و پرداخت وام بدهکاران، و در راه خدا، و در راه

ماندگان است. زکات فریضه‌ای است مقرر شده از جانب خداوند. و خداوند دانسا به امور و مصالح خلق است (توبه: ۶۰).

بدین ترتیب، موارد مصرف زکات هشت‌گانه خواهد بود: فقیران، مسکینان، عاملان زکات، مؤلفه قلوبهم، بردگان، بدهکاران، در راه خدا، و مسافران در راه مانده. صاحب قاموس قرآن این موارد هشت‌گانه را چنین شرح می‌دهد (قرشی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۱۷۰):

۱. فقیران: از آنجا که درآمد فقیران جوابگوی هزینه‌های سالیانه‌شان نیست، این افراد می‌توانند کسری مخارج خویش را از محل زکات دریافت کنند.  
 ۲. مسکینان: وضعیت مسکینان از فقیران نامناسب‌تر است؛ درآمدی ندارند و آواره‌اند.

۳. عاملان زکات: حاکم شرع باید برای جمع‌آوری زکات و نیز برای توزیع و مصرف آن مأمورانی را تعیین کند؛ چنان‌که حضرت رسول اکرم ﷺ چنین می‌کرده است.

۴. مؤلفه قلوبهم: یعنی کسانی که قلوبشان تألیف شده است. توضیح آنکه بنا بر حکم زکات، برای جذب غیرمسلمانان به طرف اسلام، می‌توان بخشی از درآمد حاصل از زکات را به آنها اختصاص داد. برای مثال، اگر در کشوری غیرمسلمان زلزله‌ای اتفاق افتاد و گروهی بی‌خانمان شدند، می‌توان از محل زکات به آنها کمک کرد تا به دین اسلام خوش‌بین شوند. امام خمینی رحمته‌الله در توضیح این مصرف می‌نویسد: «و آنان کافرهایی هستند که هدف آن است که به جهاد کردن (برای اسلام) و یا به دین اسلام مایل می‌شوند؛ و مسلمانانی هستند که عقایدشان ضعیف است که به خاطر تألیف قلوبشان به آنها زکات داده می‌شود، و ظاهر آن است که این گروه در این زمان ساقط نشده است» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳).

۵. بردگان؛ با مال زکات می‌توان این افراد را خرید و آزاد کرد.

۶. قرض داران: اگر درآمد کسی جوابگوی هزینه‌های او باشد، اما نتواند از عهده قرضی که دارد برآید، قرض وی باید از محل زکات ادا شود. امام خمینی ره در این مورد می‌نویسد: «آنها کسانی هستند که بدون اسراف و معصیت بدهکار شده‌اند و توان پرداخت آن را ندارند، اگرچه مخارج سالشان را داشته باشند» (همان).

۷. فی سبیل الله: مراد از آن هر کار عام‌المنفعه است؛ از قبیل احداث راه‌ها، پل‌ها، بیمارستان‌ها، مسجدها و ...

۸. ابن‌السبیل: مسافری است که مال خود را در غربت از دست داده و سرگردان مانده است. با مال زکات، می‌توان مخارج رسیدن این فرد به وطنش را تأمین کرد.

#### زکات یک حق اجتماعی است

زکات از حقوق اجتماعی هر جامعه محسوب می‌شود؛ چه اینکه جامعه باید زیرساخت‌های بسیاری را فراهم کند تا افراد بتوانند به فعالیت اقتصادی پردازند و صاحب درآمد و ثروت شوند.

تا زمانی که جامعه امنیت نداشته نباشد و انرژی‌هایی همچون آب، برق، گاز و... فراهم نباشند، امکان بسیاری از فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی به وجود نخواهد آمد. همچنین، شبکه راه‌های کشور، به‌ویژه راه‌های زمینی و ریلی، تأثیری مستقیم و حیاتی در فعالیت‌های اقتصادی دارد. این در حالی است که برقراری امنیت، تولید انرژی، و... نیازمند صرف میلیاردها تومان هزینه است. این هزینه‌ها را جامعه از محل اموال عمومی تأمین و پرداخت می‌کند. از این‌رو، بخشی از درآمدی که افراد کسب می‌کنند حق جامعه است؛ چون این جامعه است که مقدمات و ابزارهای لازم را برای فعالیت اقتصادی آنان فراهم می‌کند.



بنابراین، افرادی که زکات و صدقه می دهند یا انفاق می کنند، هیچ متنی بر جامعه ندارند؛ زیرا در واقع، به وظیفه خود در برابر جامعه عمل می کنند. علامه طباطبایی در این زمینه می نویسد: «اسلام، در تأمین جهات مالی اجتماع، تنها اکتفا کرده به روز پیدایش و حدوث ملک و از آن تجاوز نکرده؛ و به عبارت روشن تر وقتی مالی در ظرفی از ظروف به دست آمد، در همان حال به دست آمدنش، سهمی را ملک اجتماع دانسته و بقیه سهام را ملک صاحبش؛ یعنی کسی که سرمایه گذاری نموده و یا کار کرده دانسته است، جز پرداخت آن سهم، چیز دیگری از او نخواست، وقتی سهم اجتماع را پرداخت، دیگر برای همیشه مالک بقیه سهام خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۶۳ش، ج ۲۹، ص ۱۶). این برداشت علامه طباطبایی مصداقی از این آیات است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَخْرُومِ»: [متقین] در اموالشان، برای محرومین و نیازمندان، حقی قرار می دهند (ذاریات: ۱۹)؛ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَخْرُومِ»: [نمازگزاران حقیقی] کسانی هستند که از اموال خود، حقی و سهمی معلوم را برای محرومین و نیازمندان کنار می گذارند (معارف: ۲۴ - ۲۵).

همچنین، در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَ الْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يُصْرَفُوا إِلَيَّ غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ»: خدای تبارک و تعالی، در اموال، ثروتمندان و فقرا را شریک هم قرار داده؛ پس، ایشان حق ندارند اموال خود را بدون شریکان خود مصرف کنند (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۴۸).

### ج) صدقه

صدقه مترادف با انفاق و زکات است و در معنای بخشش مال به نیازمندان به کار می رود. بر این اساس، از تعریف و توضیح صدقه صرف نظر می کنیم و به ماهیت یکسان سه مفهوم صدقه، انفاق، و زکات می پردازیم.

## ماهیت یکسان انفاق، صدقه، و زکات خداوند در قرآن کریم فرموده است:

«أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»: آیا از فقیر شدن ترسیدید که از صدقه دادن، قبل از نجوا و مشورت با پیامبر ﷺ خودداری کردید؟ پس، حالا که صدقه نپرداختید و خدا هم شما را مورد عفو قرار داد، نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و از خدا و پیامبرانش اطاعت کنید و بدانید که خداوند به تمام اعمال شما علم و آگاهی دارد (مجادله: ۱۳).

بنا به این آیه، تفاوتی میان صدقه و زکات وجود ندارد؛ زیرا، در این آیه، صدقه مترادف با زکات دانسته شده است. صاحب قاموس قرآن نیز همین دیدگاه را دارد و می‌نویسد: «به عقیده نگارنده، مراد از زکات که در قرآن بیشتر با صلوة آمده، فقط زکات واجبی که به نه چیز تعلق می‌گیرد نیست؛ بلکه مراد، مطلق انفاق در راه خداست، اعم از واجب و مستحب» (قرشی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۱۷۰).

همچنین، صاحب المیزان، ذیل آیه «وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ»: و کسانی که زکات مال خود را به فقرا می‌دهند (مؤمنون: ۴)، درباره معنای زکات در این آیه چنین نوشته است: «احتمال دارد معنای مصدری آن مقصود باشد که عبارت است از تطهیر مال، البته نه آن اموالی که به عنوان زکات داده می‌شود؛ برای اینکه سوره مورد بحث در مکه نازل شده که هنوز زکات به معنای معروف واجب نشده بود و قبل از وجوب آن در مدینه، زکات همان معنای پاک کردن مال را می‌داد. بعد از آنکه در مدینه واجب شد، به صورت اسم درآمد برای آن مقدار مالی که به عنوان زکات پرداخت می‌شد» (طباطبایی، ۱۳۶۳ش، ج ۲۹، ص ۱۶). او در ادامه نیز نوشته است: «پس معنا این است که مؤمنین کسانی هستند که انفاق مالی دارند» (همان). به هر روی، مفهوم‌های زکات، انفاق، و صدقه تفاوتی با یکدیگر ندارند؛ جز اینکه

زکات در مواردی خاص حکم و جوب دارد. ضمناً علامه طباطبائی تعبیر مشابه دیگری دارد که بیانگر ماهیت یکسان صدقه و زکات است: «در کافی به سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن، پاک و پاکیزه‌شان سازی) نازل شد - و البته نزولش در ماه رمضان اتفاق افتاد - حضرت دستور داد منادی در میان مردم ندا در دهد که خداوند زکات را بر شما واجب کرده است؛ همچنان که نماز را واجب کرد؛ و از همان موقع، زکات در طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش واجب گردید. منادی هم این معنا را به گوش همه رسانید (همان، ج ۱۸، ص ۳۱۵).

کار بست منابع مالی قرآنی در توسعه تأمین و رفاه اجتماعی همان‌گونه که ملاحظه شد، قرآن کریم چند منبع مالی بسیار غنی را همچون انفاق، زکات، و صدقه پیش‌بینی نموده و موارد مصرف این منابع را نیز مشخص کرده است. همچنین، قرآن برای ترغیب مسلمانان به انفاق کردن، صدقه دادن، و زکات پرداختن از روش‌های مختلف استفاده کرده است. اگر به‌درستی درباره این منابع تبلیغ شود و مسلمانان به‌خوبی از این منابع استفاده کنند، می‌توان این انتظار را داشت که فقر به‌زودی از میان مسلمانان رخت بربندد؛ چون ثروت در جامعه تعدیل می‌شود و شکاف طبقاتی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد.

اگر جوامع اسلامی سازوکار ویژه‌ای برای بهره‌گیری از این منابع مالی طراحی کنند، برنامه‌های فردی و اجتماعی تأمین و رفاه اجتماعی آنها گسترش کمی و کیفی چشمگیری خواهد یافت. همان‌گونه که در آغاز این مقاله گفته شد، تأمین و رفاه اجتماعی عبارت است از اینکه شخص در هر شغل و مقامی از آینده خود و خانواده‌اش نگرانی نداشته باشد و برای تأمین آینده، ناچار از کار بدون وقفه و دست زدن به هر عملی نباشد.

مواردی که برای مصرف زکات، انفاق، و صدقه در نظر گرفته شده است به خوبی برای تحقق این امر کفایت می‌کند. البته، میزان تولید ثروت در جوامع اسلامی ناچیز نیست؛ با این حال، متأسفانه، نرخ فقر در برخی از این جوامع بسیار بالاست. علت اساسی فقر در جوامع اسلامی توزیع ناعادلانه ثروت و شکاف طبقاتی بالاست. از این رو، اگر از محل زکات به طبقه نیازمند جامعه کمک بشود، فقر به مقدار زیادی کاهش می‌یابد. شایان ذکر است، با مصرف زکات «در راه خدا»، می‌توان کمک بسیار مناسبی به حل مشکل ازدواج جوانان، تأمین مسکن، ایجاد اشتغال و... کرد.

به‌راستی، برای مهار و ریشه‌کنی فقر، کدام منبع می‌تواند بهتر و غنی‌تر از این سه منبع قرآنی باشد؟ به نظر می‌رسد که یکی از علل اصلی فقر، همانا، غفلت از اجرای فرمان‌های الهی و بالفعل نمودن این منابع بالقوه باشد. چه بسیار دانش‌آموزان و دانشجویان توانمندی که به سبب نداشتن بضاعت مالی از ادامه تحصیل بازمی‌مانند! چه بسیار جوانانی که به سبب نداشتن بینه مالی از ازدواج محروم می‌شوند! چه بسیار بیکارانی که با وجود جوانی، به سبب نداشتن سرمایه، بدون شغل و سرگردان می‌مانند! بنا بر آمارهای رسمی، سن ازدواج دختران و پسران افزایش یافته است؛ این در حالی است که یکی از علل اصلی این مسئله را مشکلات مالی جوانان تشکیل می‌دهد. حقیقتاً هیچ‌کدام از اینها زینده جامعه اسلامی ما نیست. آموزه‌های دین اسلام این توانایی را دارند که پاسخگوی نیازهای همه عصرها و همه نسل‌ها باشند؛ پس، مشکل ما چیست؟ اشکال اصلی در چگونگی کاربست آموزه‌ها و فرمان‌های قرآن است.

امام علی علیه السلام در نامه مشهور خود به مالک اشتر، زمانی که او را به عنوان والی و استاندار مصر برمی‌گزینند، به وی فرمان می‌دهد که هرگز نیازمندان و مستمندان جامعه (طبقه پایین) را فراموش نکند؛ به‌ویژه افرادی که از روی آبرومندی حاضر

به اظهار فقر نمی‌شوند و نیز کسانی که در دورترین نقاط جامعه اسلامی به سر می‌برند.

در این فرمان، امام علی علیه السلام دو منبع مالی را برای رسیدگی به امور محرومان مشخص می‌کند: (۱)، بخشی از بیت‌المال؛ (۲) بخشی از غلات اراضی خالصه (حکومتی). گفتنی است بخش مهمی از بیت‌المال، به طور طبیعی، از محل درآمد حاصل از زکات تأمین می‌شده است. در فرمان حضرت علی علیه السلام چنین آمده است:

«ثُمَّ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُيُوتِ وَالزُّمَنِيِّ، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُغْتَرِّبًا. وَ احْفَظْ اللَّهُ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ وَ قِسْمًا مِنْ غَلَّاتِ صَوَافِي الْأَسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَفْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلأَدْنَى. وَ كُلُّ قَدْ اسْتُرْعِيتَ حَقَّهُ، فَلَا يَسْتَغْنَكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ، فَإِنَّكَ لَا تُعْذَرُ بِتَضْيِيعِكَ النَّافَةَ لِاحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ، فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَ لَا تُصَغِّرْ خَدَكَ لَهُمْ، وَ تَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَفْتَحُهُ الْعَيُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرُّجَالُ، فَفَرَّغْ لَأَوْلِيكَ لِنَفْسِكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَاضِعِ، فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ. ثُمَّ اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْأَعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاةٍ، فَإِنَّ هَؤُلَاءِ مِنْ بَيْنِ الرِّعْيَةِ أَحْوَجُ إِلَى الْإِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ، وَ كُلُّ قَاغِذِرٍ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْدِيَةِ حَقِّهِ إِلَيْهِ. وَ تَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَسْمِ وَ ذَوِي الرِّقَّةِ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَ لَا يَنْصَبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ، وَ ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ، وَ الْحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ. وَ قَدْ يُحَفِّقُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ وَثِقُوا بِصِدْقِ مَوْعُودِ اللَّهِ لَهُمْ: خُذَا رَا، خُذَا رَا، در مورد طبقه پایین! آنها که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان و نیازمندان و تهیدستان و از کار افتادگان. در این طبقه، هم کسانی هستند که دست سؤال دارند [اهل درخواست هستند] و هم افرادی که باید به آنها - بدون پرسش - بخشش شود. بنابراین، به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده عمل نما. قسمتی از بیت‌المال و قسمتی از غلات خالصه‌جات اسلامی را در هر محل به آنها اختصاص ده و بدان آنها که دورند به مقدار کسانی که نزدیک‌اند سهم دازند و باید حق همه

آنها را مراعات کنی. بنابراین، هرگز نباید سرمستی زمامداری تو را به خود مشغول  
 پهازد [و به آنها رسیدگی نکنی]؛ چراکه هرگز به خاطر کارهای فراوان و مهمی که  
 انجام می‌دهی از انجام نشدن کارهای کوچک معذور نیستی. نباید دل از آنها  
 برگیری و چهره به روی آنان در هم کنی. در امور آنها، که به تو دسترسی ندارند  
 و مردم به دیده تحقیر به آنها می‌نگرند، بررسی کن و برای این کار، فرد مورد  
 اطمینانی را که خداترس و متواضع باشد برگزین تا وضع آنان را به تو گزارش  
 دهد. سپس با آن گروه به طوری رفتار کن که به هنگام ملاقات پروردگار عذرت  
 پذیرفته باشد، چراکه از میان رعایا این گروه از همه به احقاق حق محتاج‌ترند و  
 باید در ادای حق تمام افراد، در پیشگاه خداوند، عذر و دلیل داشته باشی. درباره  
 یتیمان و پیران از کارافتاده، که هیچ راه چاره‌ای ندارند و نمی‌توانند دست‌نیاز  
 خود را به سوی مردم دراز کنند، بررسی کن. البته این کار بر زمامداران سنگین  
 است، ولی حق هم‌اش سنگین است و گاهی خداوند آن را بر اقوامی سبک  
 می‌سازد؛ اقوامی که طالب عاقبت نیک‌اند و خویش را به استقامت و بردباری  
 عادت داده و به راستی وعده‌های خداوند اطمینان دارند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش،  
 ص ۵۸۳).

امید است برنامه‌ریزان اجتماعی، فرهنگی و... کشور همواره این تعالیم  
 نجات‌بخش را که خداوند رحمان و رحیم در قرآن حمید مجیدش در اختیار  
 مسلمانان قرار داده است پیش چشم داشته و در کاربست تعالیم کوشا باشند.

### نتیجه

یکی از دغدغه‌های بشر، در جوامع پیچیده امروزی، دستیابی به سطح مطلوبی از  
 رفاه است. هرچند این سطح از رفاه نسبی است و بسته به ساختار اقتصادی،  
 اجتماعی و سیاسی جوامع متفاوت می‌باشد، تلاش برای دستیابی به این سطح  
 ویژگی مشترک اکثر جوامع امروزی است.  
 توسعه برنامه‌های تأمین و رفاه در جامعه نیازمند منابع مالی است. عموماً

دولت‌ها، در قانون‌های بودجه و برنامه‌های توسعه، منابعی را مانند عوارض، مالیات و... پیش‌بینی می‌کنند که در این مقاله از آنها به عنوان منابع رسمی یاد کردیم. اما منابع موجود به منابع رسمی منحصر نیست، بلکه منابع غیررسمی نیز وجود دارد.

از جمله این منابع که در قرآن و متون معتبر اسلامی تأکید فراوانی بر آنها شده انفاق، زکات، و صدقه است. قرآن، با به‌کارگیری روش‌های گوناگون، مسلمانان را به پرداخت زکات و بخشش مال به نیازمندان دعوت نموده و تأکید کرده است انفاق‌کنندگان دست به تجارتی پرسود می‌زنند، زیرا خداوند چندین برابر به آنها پاداش می‌دهد. بر اساس قرآن، انفاق و زکات هم‌وزن با نماز هستند و نشانهٔ ایمان، تقوا، نیکوکاری، یقین به معاد، و هدایت به راه حق شمرده می‌شوند. همچنین، خانه‌های زکات‌دهندگان منور به نور الهی است و لطف و رحمت خاص خداوند شامل حال زکات‌دهندگان می‌شود. سرانجام اینکه پرداخت زکات فرمان استوار همهٔ ادیان توحیدی است و خودداری از آن نشانهٔ کفر، نفاق، و شرک می‌باشد.

امام علی علیه السلام نیز حاکم و والی جامعهٔ اسلامی را موظف نموده بود تا از محل بیت‌المال و غلات زمین‌های خالصه (متعلق به حکومت) به مستمندان کمک کند. در نگرش اسلامی، زکات حقی اجتماعی است که به صاحب مال تعلق ندارد؛ زیرا جامعه امکان‌های زیادی فراهم کرده تا این مال به دست فرد رسیده است؛ از این‌رو، زکات‌دهندگان باید بدون منت به انجام دادن این وظیفهٔ اجتماعی اقدام کنند. ضمن اینکه خداوند پاداش‌های فراوان مادی و معنوی را به زکات‌دهندگان نوید داده است.

اگر مسلمانان انفاق کنند، صدقه بدهند، و زکات بپردازند، و دولت اسلامی برای دریافت و توزیع این منابع به طراحی سازوکاری منظم اقدام کند، شکاف

طبقاتی موجود در جوامع اسلامی از بین می‌رود و نرخ فقر در این جوامع به حداقل می‌رسد. در این صورت، همان توسعه تأمین و رفاه اجتماعی اتفاق می‌افتد.

گفتنی است از محل منابع مالی انفاق، صدقه، و زکات، می‌توان اشتغال ایجاد کرد، به ساخت مسکن پرداخت، مقدمات ازدواج جوانان را فراهم کرد، هزینه تحصیل جوانان مستعد اما فاقد درآمد کافی را داد، سوء تغذیه ناشی از فقر را رفع کرد، کارهای عام‌المنفعه‌ای مانند احداث بیمارستان، درمانگاه، مدرسه و دانشگاه را گسترش داد.



## منابع

\* قرآن کریم.

۱. آراسته‌خو، محمد؛ تأمین و رفاه اجتماعی؛ تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴ ش.
۲. پیروزی، مهدی؛ «نگاهی به رفاه اجتماعی: تأمین اجتماعی و صنعت یا تجارت بیمه»، فصل نو (مجله اینترنتی علوم اجتماعی)؛ ۱۳۸۴/۷/۳۰ ش.
۳. خمینی، روح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ ترجمه علی اسلامی؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، [بی تا].
۴. سعدی، شیخ مصلح‌الدین؛ بوستان؛ به تصحیح حسین استادولی؛ تهران: قدیانی، ۱۳۷۹ ش.
۵. \_\_\_\_\_؛ گلستان؛ به تصحیح غلامحسین یوسفی؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷ ش.
۶. شهبازی‌نیا، مرتضی؛ «حق برخورداری از تأمین اجتماعی: ویژگی‌ها، محتوا و اصول کلی حاکم بر آن»؛ فصل‌نامه مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی؛ س نهم، ش ۳۰، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۷. طالب، مهدی؛ تأمین اجتماعی؛ تهران: بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۷۰ ش.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۱۸ و ۲۹، تهران: کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳ ش.
۹. عاملی، محمد بن الحسن الحر؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ تحقیق عبدالرحیم ریانی شیزازی؛ بیروت: [بی تا]، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. علی‌اکبری، محمدجواد؛ «برنامه ارتقای رفاه و تأمین اجتماعی جوانان»، مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶/۷/۲۵ ش.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۱۲. قرشی، سید علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. کلینی، ثقة‌الاسلام؛ اصول کافی؛ ترجمه محمدباقر کمره‌ای؛ ج ۴، تهران: اسوه، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. مال‌جو، محمد؛ «برنامه‌های رفاه اجتماعی از دو دیدگاه افراطی»، مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی انسان‌شناسی و فرهنگ، ۱۳۸۷/۱۱/۲۵ ش.